

رفتارها و گفتارهای زمینه ساز جرائم جنسی از دیدگاه فقه، حقوق و رویه-

ی قضائی ایران (مورد مطالعه: زنان بزهدار شهرکرد)

عباس کلانتاری خلیل آباد^۱* و سیده معصومه غیبی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۹ صص ۳۳۸-۳۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۰

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رفتار یا گفتار و... تحریک آمیز بزهدیده است که زمینه ساز بزه می-شود و براساس بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ سبب تخفیف مجازات مرتکب می-گردد. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و نمونه‌برداری از ۶۰ پرونده از پرونده‌های مطروحه زنان بزهدیده در محاکم قضائی شهر شهرکرد صورت گرفته است. شیوه‌ی استفاده از پرونده‌ها به این گونه بوده که همه‌ی پرونده‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و از بین این پرونده‌ها، آنهایی که به گونه‌ای بزهدیده نقش مؤثری در ارتکاب جرم داشته انتخاب شد و سپس به تجزیه و تحلیل بحث پرداخته شد و در نهایت تأثیر رفتارهای زمینه‌ساز جرائم جنسی و نقش آن در تخفیف مجازات در رویه قضائی و محاکم ایران بر اساس مبانی فقهی و حقوقی نتیجه‌گیری شد. یافته‌های این پژوهش، بیانگر آن است که اولاً، گاهی اوقات رفتارها و گفتارهای بزهدیده زمینه‌ساز ارتکاب جرائم جنسی می‌شود؛ ثانیاً اعمال و رفتار زمینه ساز جرائم جنسی و منافی عفت نه تنها سبب تخفیف مجازات مرتکب می‌شود، بلکه گاه سقوط مجازات بزهدار را موجب می‌شود؛ ثالثاً تخفیف و سقوط مختص به تعزیر نبوده و به جرایم حدی و قصاص نیز تعمیم می‌یابد.

کلید واژه: تحریک، مجازات، تخفیف، مرتکب.

^۱ . دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه میبد.

^۲ . دانشجوی دکتری رشته فقه و حقوق جزا، گروه فقه و حقوق، دانشگاه میبد.

مقدمه

گاهی رفتار و گفتار مجنی علیه، یا بزه‌کار، به عنوان یکی از عناصر مؤثر در وقوع جرم به حساب می‌آید، به نحوی که رفتار یا گفتار او زمینه ساز اصلی بزه می‌شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده‌ی ۳۸ که جهات تخفیف را مقرر می‌دارد، در بند پ یکی از جهات تخفیف را بدین شرح بیان می‌کند: «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک بزه‌دیده یا وجود انگیزه‌ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم.» بر اساس این بند از قانون، اگر بزه‌دیده، رفتار یا گفتار تحریک آمیزی را مرتکب شود، به نوعی جهتی را برای تخفیف مرتکب فراهم کرده است؛ این مسأله یعنی تأثیر تحریک بر تخفیف مرتکب در همه‌ی جرائم می‌تواند مؤثر باشد، اما تأثیر آن در جرائم جنسی و منافی عفت از اهمیت خاصی برخوردار است، به همین خاطر در این تحقیق سعی شده است که به طور خاص رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده در جرائم جنسی و منافی عفت مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا از یک سو در محاکم قضائی متهمین و مرتکبین این دسته جرائم در مقام دفاع از خود به تحریک رفتار و گفتار بزه‌دیده استناد می‌کنند و از سوی دیگر بسیاری از اعمال و رفتار تحریک آمیز وجود دارد که زمینه‌ساز جرائم جنسی هستند، ذکر این مباحث از حیث نظری " مبانی شرعی و قانونی " و بررسی آن در قوانین کیفری و رویه‌ی قضائی می‌تواند چگونگی وقوع روند جرائم جنسی را در جامعه و محاکم قضائی روشن‌تر کند؛ زیرا فرضیه‌ی این تحقیق بیانگر این است که در بسیاری از پرونده‌های قضائی در حوزه‌ی جرائم جنسی، رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده سبب وقوع این جرائم می‌شود. بر همین اساس هدف اصلی در این پژوهش اولاً بررسی اعمال و رفتارهای تحریک آمیزی است که سبب تخفیف مجازات در جرائم منافی عفت می‌شود؛ ثانیاً بررسی و تطبیق این اعمال و رفتارها با آراء قضائی مطروحه و اجراء شده در دادگاه‌ها است. در خصوص موضوع مورد بحث، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، هر چند پایان‌نامه‌هایی در خصوص تحریک همانند پایان‌نامه‌ی " نقش تحریک در مسئولیت کیفری در حقوق جزای ایران و انگلستان " از پویا قاضی‌زاده در دانشگاه قم و " بررسی مفهوم تحریک و آثار آن در حقوق کیفری ایران و کامن‌لا " از شادی شقاقی در دانشگاه تبریز نوشته شده است؛ اما این تحقیقات به طور کلی و تطبیقی تحریک را مورد بررسی قرار داده‌اند در حالی که تحقیق حاضر، رفتارهای زمینه ساز جرائم جنسی را که در واقع مصداقی از تحریک است و در مواردی سبب تخفیف مجازات می‌شود، در رویه‌ی قضائی ایران به طور موردی و مصداقی و با توجه به قانون جدید، مورد بررسی قرار داده است.

ابزار و روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و نمونه برداری پژوهشی از تعدادی پرونده‌های مطروحه در محاکم قضایی است. جامعه آماری در این تحقیق، بررسی پرونده‌های مربوط به حوزه‌ی جرائم جنسی در دادگاه کیفری شهر شهرکرد بوده است. حجم نمونه در این تحقیق، ۶۰ پرونده در حوزه‌ی جرائم جنسی بوده است. روش نمونه‌گیری به طور تصادفی بوده است. شیوه‌ی استفاده از پرونده‌ها به این گونه بوده که همه‌ی پرونده‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و از بین این پرونده‌ها، پرونده‌هایی که در آن‌ها به گونه‌ای بزه‌دیده نقش مؤثری در ارتکاب جرم داشته و با اعمال و رفتار تحریک آمیز خود وقوع جرم را تسهیل کرده بود، انتخاب شد و به تعدادی از آن‌ها در مقاله به عنوان مستند، مورد استفاده قرار گرفت و سپس با استفاده از این آراء و داده‌های کتابخانه‌ای، به تجزیه و تحلیل بحث پرداخته شد و در نهایت تأثیر رفتارهای زمینه‌ساز جرائم جنسی و نقش آن در تخفیف مجازات در رویه قضائی و محاکم ایران بر اساس مبانی فقهی و حقوقی نتیجه‌گیری شد.

مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

۱- تحریک در لغت و اصطلاح: تحریک در لغت مصدر باب تفعیل از ماده «ح رک» می‌باشد. لغت‌شناسان آن را، به معانی، ضد سکون، دگرگون کننده و تغییردهنده معنا کرده‌اند (Ibn Manzur, 1993) اما در فقه، تعریف خاصی برای آن نشده است؛ ولی در حقوق نظریات مختلفی وجود دارد. برخی گفته‌اند: «از آنجا که در حقوق جزای ایران معنی و مفهوم تحریک مشخص نیست، معنی و مفهوم و مصداق تحریک یک امر موضوعی است که دادگاه باید با توسل به اصول و قواعد کلی آن را احراز نماید (Sanei, 1993). بعضی دیگر نیز گفته‌اند: «در حقوق جزای ایران، تعریف دقیق و جامعی از تحریک توسط قانون‌گذار نشده است و ذکر کلمه‌ی تحریک به صورت مطلق اقتضای آن دارد که حتی مفاهیمی همانند پند، نصیحت، توصیه و پیشنهاد را هم داخل در معنا و مفهوم تحریک بدانیم و تحریک با این اوصاف در حقوق ایران، مفهومی عام دارد (Ali, 1973). یکی از حقوق دانان فرانسه می‌گوید: «تحریک عبارت است از فشار آوردن به فکر کسی برای سوق دادن او به ادامه‌ی ارتکاب جرم» (Zahedi, 1990).

با توجه به نظریات مذکور و با در نظر گرفتن معنایی که عرف از تحریک دارد و آن را شامل اغراء و وادار کردن دیگری به انجام عملی می‌دانند، باید گفت منظور از تحریک: اثر گذاشتن روی

فکر و ذهن دیگری است؛ به طوری که او را وادار به ارتکاب جرم کند؛ به گونه‌ای که اراده و رضایت را از او سلب نکند.

۲- جرایم جنسی: در خصوص جرایم جنسی تعریف دقیق و روشنی در فقه و حقوق وجود ندارد، اما در این جا برای فهم بیشتر موضوع بحث، به چند مورد از تعاریفی که در این خصوص وارد شده است، اشاره می‌شود: ۱- مقصود از جرایم جنسی، معنای عامی است که ارتباطات جنسی طبیعی یا غیر طبیعی مانند زنا، لواط، همجنس بازی، جریحه دار کردن حیای جنسی دیگری، مانند بازی کردن با آلت جنسی او، تعرض به عفت و حیای دیگران، مانند بیرون آوردن آلت تناسلی نزد آنان و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در برمی‌گیرد. این دسته از جرایم، در فقه سنتی شیعه یا سنی با این عنوان مورد بحث قرار نگرفته است، بلکه احکام و مقررات مربوط به مصادیق آن مانند «زنا» و «لواط» در کتاب الحدود، به‌طور موردی ذکر شده است. بنابراین، اصطلاح یاده شده، بیشتر اصطلاحی حقوقی است تا فقهی (Gholi, 198) ۲- جرم جنسی عبارت است از هر گونه رابطه‌ی جنسی که از حدود متعارف قوانین کیفری، عرف و اوامر شرعی فراتر رود به نحوی که جامعه نتواند آن را نادیده بگیرد، بلکه آن را عملی ناپسند و مستلزم عقوبت و مجازات بداند.

به طور کل می‌توان گفت: جرایم جنسی جرایمی هستند که رابطه‌ی جنسی در آن‌ها مشهود باشد که بعضی از مصادیق جرائم جنسی در جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی نیز نمود پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت بین این دو نوع جرم، رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ یعنی هر گونه جرم جنسی، جرم علیه عفت و اخلاق عمومی نیز محسوب می‌شود؛ اما هر گونه جرم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرم جنسی محسوب نمی‌شود. علاوه بر جرائم لواط، زنا، مساحقه و تفخیز که موارد بارز جرائم جنسی هستند، می‌توان به مصادیق دیگر از جرائم جنسی، همانند دست دادن، یکدیگر را بوسیدن، و در آغوش گرفتن اشاره کرد که این موارد هم نوعی جرائم جنسی و هم نوعی جرائم علیه عفت عمومی محسوب می‌شوند. صرف نظر از عناصر و ارکان جرم در هر یک از این جرائم که خود نیاز به بحث مفصل دارد، این مصادیق در مواد قانونی ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۳۸، ۶۴۰ و ۶۴۰ این قانون جرم انگاری شده‌اند. جرایم جنسی، به طور مستقیم در قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار نگرفته است، بلکه به طور غیر مستقیم در مواد مختلفی از قوانین کیفری مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است؛ از جمله در بخش حدود به برخی از مصادیق جرایم جنسی اشاره شده است. زنا، لواط، مساحقه، قوادی و قذف از این دست جرایم می‌باشند. همچنین فصل هجدهم بخش تعزیرات با عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی از مصادیق جرایم جنسی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

۱- مصادیق اعمال زمینه ساز جرائم جنسی

یکی از عوامل زمینه ساز افزایش جرایم جنسی و اعمال منافی عفت، رفتارها و گفتارهایی است که با زمینه سازی و تحریک نیازهای غریزی افراد، شرایط را برای ارتکاب جرایم جنسی فراهم می‌کند. بر اساس ادله‌ی شرعی و حقوقی بر چنین رفتارها و گفتارهایی، آثاری مترتب است. در این جا به برخی از مصادیق آن‌ها که در آیات و روایات آمده، اشاره نموده و سپس به آثار آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۱- گفتار تحریک آمیز

خداوند متعال در آیه‌ی ۳۲ و ۳۳ سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا». پس در سخن دلربایی مکنید، که بیمار دل به طمع بیفتد، و سخن نیکو گویند. (احزاب/۳۲)

در همین راستا می‌توان به روایتی از حضرت علی (ع) اشاره کرد. در این روایت آمده است: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَانَ يَسْلَمُ عَلَى النِّسَاءِ وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَسْلَمَ عَلَى الشَّابَةِ مِنْهُنَّ وَقَالَ: «أَتَخَوَّفُ أَنْ يَعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ مِنَ الْإِثْمِ أَكْثَرَ مِمَّا أُطَلَّبُ مِنَ الْأَجْرِ» حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، به زن‌ها هم سلام می‌کردند اما کراهت داشتند به زنان جوان سلام کنند و می‌فرمودند می‌ترسم صدای زن‌های جوان مرا بشگفت درآورد و خوشم بیاید و مرتکب گناهی شوم که این گناه بیشتر از اجر و پاداش سلام کردن باشد.» (Qomy, 1992) عده‌ای از فقها گفته‌اند حضرت علی علیه السلام می‌خواهد به دیگران درس بدهد چون مقام او بالاتر از این حرفه‌است، زیرا او معصوم بود. به عبارتی می‌خواهد بگوید که اگر جوان هستی و زن نیز جوان است به او سلام نکن شاید که خوف فتنه باشد. (Qomy, 1992، ۳۰۳، Makarem Shirazi) همچنین در توجیه دلالت این روایت آمده است: حضرت می‌فرماید: «اگر من به زنان جوان سلام کنم، ممکن است دچار اعجاب شوم و لذت ببرم، چون این لذت ممنوع است، من محتمل آن را هم ترک می‌کنم. لذت بردن از مثلاً غذای لذیذ یا چهره‌ی زیبا یا صوت زیبا مقتضای بشر بودن است و هیچ نقصی برای آن‌ها شمرده نمی‌شود» (Shobeiri Zanjani, 1988).

در این جا به نمونه‌ای از آراء قضایی که در مورد یکی از پرونده‌های مطروحه بر اساس این آیه صادر شده، اشاره می‌شود. در پرونده‌ی شماره‌ی ۹۴۰۹۹۸۳۸۱۶۳۰۰۷۰ که از شعبه‌ی دادگاه کیفری یک شهرکرد صادر شده است. خانم الف که مجرد است ادعا می‌کند که آقای ب با او با تجاوز به عنف زنا کرده است. آقای ب نیز در دفاع از خودش بیان می‌کند که خانم الف خودش وارد

مغازه‌ی من می‌شد و با من شوخی می‌کرد و از من درخواست می‌کرد تا زمانی که کسی در خانه نیست پیش او بروم. رای دادگاه بنابر اظهارات طرفین اعلام می‌دارد: به استناد ماده‌ی ۱۲۰ و ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی و اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده‌ی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، درخصوص زنای به عنف، اصل بر براءت است؛ اما در خصوص اعمال منافعی عفت به استناد ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری و به خاطر جریحه دار کردن عفت عمومی و به استناد مواد ۲۳ و ۲۷ ق.م.ا به دو سال اقامت اجباری در شهرستان... محکوم می‌گردد. خانم الف نیز به استناد مواد ۱۳۲، ۲۱۷، و ۲۹۱ و ۲۳۵ ق.م.ا به صد ضربه شلاق حدی محکوم می‌گردد. آنچه در این پرونده حایز اهمیت است این است که سخنان و شوخی‌های بزه‌دیده، زمینه ساز جرم زنا شده است؛ به عبارتی، حرف‌های راحت و صمیمی خانم الف با آقای ب خارج از عرف و شرع بوده است؛ زیرا یک خانم فقط باید در چارچوب عرف و شرع و فقط در حد ضرورت با نامحرم صحبت داشته باشد. صحبت تحریک آمیز از طریق تلفن و نوشتن مطالب جنسی برای نامحرم از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، از مصادیق گفتار تحریک آمیز زمینه ساز جرایم جنسی است.

۱-۲- رفتار تحریک آمیز

خداوند متعال در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ: ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان باایمان بگو روسری بر سر ببندند، این کار بهتر از این است که شناخته شوند و نیز مورد آزار قرار نگیرند، خداوند آمرزنده مهربان است.» (احزاب/۵۹) آیه‌ی شریفه بسیار دقیق فلسفه‌ی پوشش مناسب را بیان کرده و علت آن را تحریک نشدن و مورد آزار (جنسی) قرار نگرفتن توسط مردان نامحرم دانسته است.

هم‌چنین در آیه‌ی شریفه‌ی ۳۳ احزاب می‌فرماید: « وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ: در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست، خودنمایی نکنید.» عشوگری و با ناز راه رفتن، نداشتن پوشش مناسب در برابر نامحرم، از مهم‌ترین مصادیق رفتار تحریک آمیز زمینه ساز جرایم جنسی محسوب می‌شود.

در این جا به نمونه‌ای از آراء قضایی که در یکی از پرونده‌های مطروحه صادر شده، اشاره می‌شود. در این پرونده به شماره‌ی ۹۴۰۹۹۸۳۸۱۴۶۰۰۷ که از شعبه‌ی دادگاه کیفری یک شهرکرد صادر شده است، شاکي خانم الف علیه آقای ب شکایت تجاوز به عنف کرده است. در این پرونده

طرفین با هم ارتباط قبلی داشته‌اند که بعد از گذاشتن یک قرار در خانه‌ی آقای ب بعد از این‌که خانم الف با نشان دادن چند عکس تحریک آمیز، خودش تمایل به ارتباط جنسی را اعلام کرد، گفت من فقط ارتباط کمتر از مادون زنا را خواستار بودم نه بیشتر از آن، در حالی که ایشان از این حد تجاوز کرد. آقای ب نیز در مقام دفاع می‌گوید: ایشان خودش به این عمل رضایت داده بودند و ایشان با نشان دادن فیلم و عکس، من را تحریک کرد. من از پشت نزدیکی کردم نه از جلو. وکیل مدافع خانم الف نیز در مقام دفاع از ایشان می‌گوید خانم اغفال شده است و آقا باید مهرالمثل و ارش البکاره را بدهد. دادگاه پس از شنیدن اظهارات طرفین، آقای الف را بر اساس اصل ۳۷ قانون اساسی از اتهام تجاوز به عنف تبرئه کرد و با توجه به محرز بودن زنا، او را بر اساس مواد ۲۲۱، ۲۳۰ و ۲۱۱ به صد ضربه شلاق حدی محکوم کرد و بر اساس ماده‌ی ۲۳، او را به اقامت اجباری یک سال در شهر... نیز محکوم کرد و خانم نیز بر اساس مواد ۸۸ و ۹۱، مجازات حدی از او ساقط می‌شود و باید هر ماهی یک بار خود را به مددکار اجتماعی معرفی کند. این رأی مورد فرجام‌خواهی قرار گرفت. مرجع فرجام‌خواهی در خصوص صد ضربه شلاق، رأی را بدون تردید تأیید کرد، اما در خصوص مجازات تکمیلی با توجه به این که قاضی می‌توانست هر یک از اقسام آن را که با جرم تناسب دارد، انتخاب کند و به دلیل انتخاب شهر مورد نظر به صلاح متهم نیست و ممکن است صدمات دیگری نیز داشته باشد و با توجه این‌که عمل زنا با تحریکات خود خانم انجام شده است، دادگاه می‌توانست از شقوق دیگر ماده‌ی ۲۳ استفاده کند؛ بنابراین رأی در خصوص مجازات تکمیلی نقض می‌گردد و پرونده به دادگاه هم عرض فرستاده می‌شود. در این پرونده تبرئه شدن از تجاوز به عنف به خاطر تحریک خانم بوده که مشعر به رضایت او است و از سوی دیگر نگرفتن ارش البکاره و مهر المثل نیز به خاطر اعمال تحریک آمیز خودش بوده است. بنابراین در مواردی که بزه‌دیده با رفتاری مثل نشان دادن فیلم و عکس، تحریک دیگری را برانگیزد، از یک طرف حمایت قانون را از خودش کم کرده است و از سوی دیگر سبب تخفیف مجازات مرتکب نیز شده است. لذا باید از رفتارهایی که سبب می‌شود بزهکار انگیزه‌ی بیشتری برای ارتکاب جرم پیدا کند، پرهیز شود.

۱-۳- خلوت کردن با نامحرم

خلوت کردن زن و مرد نامحرم در یک مکان؛ هر چند که ابتدا قصد روابط جنسی و نزدیکی نباشد، از عوامل زمینه ساز جرایم جنسی است؛ زیرا در این صورت احتمال افتادن در دام‌های شیطانی، جرائم اخلاقی و جنسی وجود دارد و فرد باید از این امر خودداری نماید. لذا اگر فرد با اراده‌ی خود با نامحرمی خلوت کند و یکی از جرایم جنسی را مرتکب شود، چون خودش این زمینه را فراهم کرده است، در مقصر بودن او در جرم و تخفیف مجازات بزهکار مؤثر است. بر اساس آنچه

گفته شد، برای جلوگیری و کاهش جرائم جنسی باید از ارتباط با افراد ناشناس نامحرم از جانب زنان و مردان کاسته شود و از سوی دیگر، از مکان‌ها و زمان‌هایی که بیشتر سبب تشدید این جرائم نیز می‌شود باید جلوگیری کرد.

در روایتی محمد طیار نقل می‌کند: «(دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَ طَلَبْتُ بَيْتًا أَتَكَرَّاهُ فَدَخَلْتُ دَارًا فِيهَا بَيْتَانِ بَيْنَهُمَا بَابٌ وَ فِيهِ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ تَكَارِي هَذَا الْبَيْتِ قُلْتُ بَيْنَهُمَا بَابٌ وَ أَنَا شَابٌّ قَالَتْ أَنَا أَعْلِقُ الْبَابَ بَيْتِي وَ بَيْنَكَ فَحَوْلْتُ مَتَاعِي فِيهِ وَ قُلْتُ لَهَا أَعْلِقِي الْبَابَ فَقَالَتْ تَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الرُّوحُ دَعَا فَقُلْتُ لَا أَنَا شَابٌّ وَ أَنْتِ شَابَّةٌ أَعْلِقِيهِ قَالَتْ اأَعْدُ أَنْتِ فِي بَيْتِكَ فَلَسْتُ آتِيكِ وَ لَا أَقْرَبُكِ وَ أَبْتُ أَنْ تُغْلِقَهُ فَآتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ تَحْوَلُ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَ الْمَرْأَةَ إِذَا حُلِّيَا فِي بَيْتٍ كَانَ تَالِيَهُمَا الشَّيْطَانُ): وارد مدینه شدم و منزلی می‌طلبیدم تا اجاره کنم، به خانه‌ای وارد شدم که دارای دو اتاق بود و دری میان آن دو قرار داشت و در یکی از آن‌ها زنی زندگی می‌کرد آن زن به من گفت: این اتاق را اجاره کن، گفتم: این دو اتاق به هم راه دارد و من جوان هستم تو نیز جوانی و صلاح نیست، گفت: تو اجاره کن من در را می‌بندم، من پذیرفتم و متاعم را به آن جا بردم، و بدو گفتم: در را ببند، گفت: از این جا نسیم می‌آید بگذار باز باشد، گفتم: من و تو هر دو جوان هستیم در را ببند، گفت: تو در اطاعت بنشین و من در اتاق خود، نزد تو نمی‌آیم و به تو نزدیک نمی‌شوم و از بستن در سر باز زد، من خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و ماجرا را عرض کردم و پرسیدم می‌توانم آنجا بمانم؟ فرمود: از آنجا به جای دیگر برو زیرا هیچ مرد و زنی در مکانی خلوت نکنند مگر آن که شیطان سومی آن‌ها باشد.» (Sadouq, 1992). این روایت دلالت دارد که چون خلوت با نامحرم زمینه ساز شهوت‌رانی است، جایز نیست.

در این زمینه می‌توان به پرونده‌ی شماره‌ی ۹۴۰۹۹۸۳۷۱۴۶۰۰۹ که از شعبه‌ی دادگاه کیفری یک شهرکرد صادر شده است، اشاره کرد. در این پرونده خانم الف به عنوان شاکی ادعای تجاوز به عنف از آقای ب کرده است. شرح پرونده به این گونه است که خانم الف به همراه دوستش که از او درخواست کرده بود تا با او بیاید تا به خانه‌ی دوست پسرش برود. وقتی با دوست خود به خانه‌ی دوست پسرش رفت، بعد از این که وارد خانه شد دوستش به او گفت که شما در طبقه‌ی اول بمان و ما به طبقه‌ی دوم میرویم، بعد از این که آن‌ها به طبقه‌ی دوم رفتند، خانم الف که در طبقه‌ی پایین مانده بود، متوجه شد که کسی در خانه است و بعد از مردی را دید که از اتاق بیرون آمد و گفت نترس کسی نیست بعد از آن من را داخل اتاق برد و تجاوز کرد؛ سپس فرد دیگری نیز که برادرش بود هم به من تجاوز کرد. من بعد از آن گریه کردم و از خانه بیرون آمدم به گونه‌ای که بعضی از مغازه داران من را با حالت گریان دیدند. بعد از شکایت از متهمین که دو برادر بودند منکر تجاوز به عنف شدند و گفتند عمل زنا با رضایت خودش بوده است و ایشان بعد از این عمل آرایش کرد و از

خانه بیرون آمد. دادگاه با توجه به محتویات پرونده، رأی خود را به صورت ذیل اعلام کرد. به استناد مواد ۲۱۸، ۲۲۱ و ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی، هر کدام از متهمین به صد ضربه شلاق حدی محکوم می‌شوند و بر اساس مواد ۲۳ و ۲۷، هر کدام به یک سال اقامت اجباری در شهر ... نیز محکوم می‌شوند. تحلیل این پرونده نیز همانند پرونده‌ی قبل، بیانگر این است که خانم الف خودش با ورود به خانه‌ی آن پسران مجرد به نوعی زمینه‌ی تجاوز به صورت اجباری یا اختیاری را علیه خودش فراهم کرده بود. در خصوص این پرونده می‌توان گفت زنان باید در ارتباط خود با مردان نهایت دقت و تأمل را داشته باشند تا با فراهم کردن مقدماتی، سبب تجاوز جنسی مردان به خودشان نشوند.

در پرونده‌ی شماره‌ی ۹۳۰۹۹۷۳۸۱۴۵۰۰۷۷۵ که از شعبه دادگاه کیفری یک شهرکرد صادر شده است، دو خانم الف و ب ادعا می‌کنند که چهار آقا به زور به آن‌ها تجاوز کرده‌اند؛ اما متهمان ادعا می‌کنند که با آن‌ها زنا نکرده‌اند و از قبل با خانم‌ها ارتباط دوستانه و مسالمت آمیز داشته‌اند و حتی خود یکی از خانم‌ها، آن‌ها را به منزل پدریش دعوت می‌کرده است و با طوع و رغبت با آن‌ها داخل چادرهای مسافرتی می‌رفتند و با آن‌ها عاشقانه و مسالمت آمیز ارتباط برقرار می‌کردند. در این پرونده ادعای شاکیان در خصوص ارتکاب زنا به عنف و اجبار، بر اساس ادله‌ی قانونی به اثبات نرسیده است و حرف‌های آن‌ها نیز در خصوص زمان‌ها و مکان‌های مختلف، با هم تناقض دارد و متهمان نیز ادعا می‌کنند که ارتباط آن‌ها بدون تمایل نبوده است. رأی دادگاه براساس اظهارات طرفین و بر اساس اصل ۳۷ قانون اساسی بر پذیرش برائت متهمین از زنا به عنف است، اما با توجه به رفتار ارتكابی هر یک از متهمین که مصداق بارز بزه نامشروع و انجام اعمال منافی مادون زنا می‌باشد بر اساس مواد ۱۹ و ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌گردند و مجازات تکمیلی هر یک از آن‌ها نیز به سه سال اقامت اجباری در شهر ... است و هر یک از خانم‌ها نیز به ۵۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌گردد. لذا چون بزه‌دیده با رفتار و عمل خودش سبب وقوع جرم شده است، مقصر محسوب می‌شود و نیز سبب تخفیف مجازات مرتکب می‌شود.

۲- آثار اعمال زمینه ساز جرایم جنسی

اعمال زمینه ساز جرایم جنسی، آثار متعددی برای بزه‌کار و بزه‌دیده دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۲-۱- مقصر دانستن بزه‌دیده و ساقط شدن حق اعتراض وی

شهید ثانی در خصوص نگاه نامحرم به دیگری می‌گوید: اگر کسی که به او نگاه می‌شود در کوچه و خیابان باشد، نمی‌تواند کسی را که به او نگاه می‌کند سنگ بزند، زیرا خودش کوتاهی کرده است، فقط می‌تواند نهی کند. (Shahid Thani, 2010)

بر این اساس اگر کسی زمینه ساز جرمی شود، خودش هم مقصر است.

بر همین اساس یک قاضی پرونده در انگلستان اظهار داشته «این نهایت دور اندیشی یک دختر است که شب هنگام از یک خودروی شخصی تقاضای سوار شدن نماید، خیلی ساده است و نیاز به تصریح ندارد که در واقع امر، چنین دختری با این کارش برقراری رابطه‌ی جنسی را درخواست می‌کند در محکوم نمودن مرد متجاوز به جریمه‌ی ۲۰۰۰ لیره‌ای به جای مجازات حبس برای آن جرم، استدلال قاضی بر این بود که زن به دلیل میزان زیادی از مسامحه مشارکتی مقصر بوده است» (William, 2005).

مشابه این پرونده در آراء دادگاه‌های ایران نیز دیده می‌شود. در این خصوص می‌توان به پرونده ای با شماره‌ی ۹۱۲۰۹۹۸۲۸۴۴۰۰۹۱۲ که از دادگاه کیفری یک شهرکرد صادر شده است، اشاره کرد در این پرونده‌ی خانم الف به عنوان شاکی ادعا می‌کند آقای ب به صورت مکرر در طی چند مرتبه به من تجاوز زنا کرده است؛ اما متهم در مقام دفاع، ادعای شاکی را تکذیب می‌کند و می‌گوید من قبل از این که به خانم بروم، برای این که مطمئن باشم کسی در خانه نیست از او می‌پرسیدم. لذا این زنا با رضایت خود ایشان و مسالمت آمیز بوده و هیچ گونه اکراه و اجباری نبوده است. رأی دادگاه در این خصوص اعلام می‌دارد: با توجه به تبادل اطلاعات قبل از عزیمت متهم و اطمینان پیدا کردن از نبودن کسی در خانه و تناقض گویی‌های شاکی در ادعای خود، سبب به وجود آمدن شبهات اساسی شده است و بنابراین به استناد مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حکم قتل برداشته می‌شود و لذا بزه ارتكابی تحت عنوان زنا‌ی غیر محصنه است که به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود و بر اساس ماده‌ی ۲۳ به عنوان مجازات تکمیلی به دو سال اقامت اجباری در شهرستان ... ملزم می‌گردد؛ اما در مورد اتهام خانم نیز که ادعای اکراه دارد، هیچ ادله‌ای بر اکراه وجود ندارد، چون شرایط احصان را نداشته است و به استناد قاعده‌ی درأ و ماده ۱۲۱ رأی بر برائت صادر می‌شود، اما به دلیل ارتباط دوستانه و پیامکی با مرد اجنبی و اقدام به خلوت با نامحرم، مصداق بزه ارتكابی نا مشروع است و به استناد ماده‌ی ۶۳۷ قانون تعزیرات و ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی، به هفتاد ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌گردد.

۲-۲- تخفیف یا سقوط مجازات مرتکب

خداوند در قرآن از زبان حضرت یوسف (س) می فرماید: قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنُ مِنَ الْجَاهِلِينَ: گفت پروردگارا زندان برای من از گناهی که مرا بدان می خوانند، خوشتر است و اگر نیرنگشان را از من دور نکنی، متمایل به ایشان می شوم و از جهالت پیشگان می گردم (یوسف/۳۳). چند نکته از این آیه قابل برداشت است:

الف- تحریک جنسی اختصاص به فردی خاص ندارد، حتی پیامبران هم، شهوت و میل جنسی دارند و چنین نیست که آن‌ها طبعاً از اعمال غریزه‌ی جنسی بدشان بیاید. آن‌ها مجبور به ترک گناه نیستند؛ ولی ایمان و تقوای آن‌ها به حدی است که آنان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد، آن‌ها همیشه با توسل به خدا و با درخواست کمک از او، ایمان و تقوای خود را تقویت می‌کنند و البته لطف الهی شامل همه است. ولی پیامبران و پرهیزگاران لطف بیشتری دریافت می‌کنند و ضمناً باید بدانیم که گاهی لطف خاص خدا به شرطی شامل یک بنده می‌شود که دعا کند و از خدا درخواست لطف و کمک نماید، همان‌گونه که یوسف کرد (Jafari, 1997).

ب- اگر فرد مورد تحریک قرار گرفت و بین دو عمل مختار شد که یکی از آن‌ها جرم جنسی است، دیدگاه مفسرین و فقها در این خصوص متفاوت است.

برخی گفته‌اند: برای او جایز است که کار انحرافی را انجام دهد و معصیت برای او حلال است (Fazlullah, 1998). یکی دیگر از مفسران می‌گوید: در چنین زمانی که مختار بین زندان و عمل زنا می‌باشد مستحب است که زندان را برگزیند (Sadeghi, 1986). یکی دیگر از فقها حکم کرده است که ارباب و تهدید سبب نمی‌شود که حرامی حلال یا حلالی حرام شود، بلکه در این صورت باید به آنچه مهم‌تر است عمل شود که در اینجا ترجیح زندان بر عمل حرام زنا است (Yazde, 1994). بنابراین نظرات فقها مختلف است، اما به نظر می‌رسد که باید الا هم فالاهم را رعایت نمود و نمی‌توان از ابتدا جرم جنسی را انتخاب کرد، زیرا در چنین مواردی که فرد بین دو ضرر مختار می‌شود، قطعاً ضرر زنا بیشتر از زندان است و باید زندان را برگزیند اما اگر بین زنا و قتل مختار شد باید زنا را برگزیند همان‌طور که این حکم در مورد غیر معصوم نیز جاری است (Mugniyeh, 2003).

حضرت یوسف نیز از یک سو تحریک شده بود و از سوی دیگر نیز بر یکی از دو عمل اجبار شده بود و ایشان زندان را انتخاب نمود.

ج- در صورتی که تحریک، مصداق اکراه باشد و فرد چاره‌ای جز جرم اکراه شده، نداشته باشد یا ضرر آن جرم کمتر باشد، موجب تخفیف مجازات مرتکب و حتی در مواردی سبب سقوط مجازات او

می‌گردد، حتی اگر مجازات آن حد باشد. البته بند پ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی تخفیف را فقط شامل تعزیرات می‌داند؛ اما در بعضی از آراء دادگاه‌ها دیده می‌شود که در باب حدود نیز از عنصر تحریک، در صدور آراء استفاده می‌کنند.

بنابراین بر اساس این آیه، تحریک کننده بی‌تقصیر نیست و در صورتی که بعداً به تزییع حق خود یا حکم خود و یا مرتکب اعتراض نماید، مسموع نیست؛ اما مرتکب نیز تنها در صورتی که از طرف بزهدیده مکره یا مضطر شده باشد، مجازات او کلاً ساقط می‌گردد؛ ولی اگر مکره و مضطر نباشد حد او تخفیف پیدا می‌کند. در مجازات تعزیری، قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط، به دلیل تحریک از طرف بزهدیده در مجازات او تخفیف دهد یا کلاً ببخشد.

۳- ادله‌ی فقهی - حقوقی حکم اعمال زمینه ساز جرائم جنسی

۳-۱- ادله‌ی حقوقی: مبانی حقوقی تخفیف مجازات در جرائم جنسی

ماده‌ی ۳۸: مهم‌ترین مستند قانونی تخفیف مجازات در بند پ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی است که جهات تخفیف مجازات را در همه‌ی جرائم بیان می‌کند. ماده‌ی ۳۸ در خصوص تشریح ماده‌ی ۳۷ که انواع تخفیف را گفته است، مقرر می‌دارد: جهات تخفیف عبارتند از: الف...پ) «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزهدیده یا وجود انگیزه‌ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم». آنچه در این تحقیق ملاک است، بند پ این ماده است. البته این ماده اختصاص به جرم خاصی ندارد و شامل همه‌ی جرائم، از جمله اعمال منافی عفت می‌شود.

مبانی حقوقی سقوط مجازات در جرائم جنسی: ماده‌ی ۳۰۲ همان قانون مقرر می‌دارد: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالت‌های زیر باشد، قصاص نمی‌شود: ث) زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر شده است. ماده‌ی ۶۳۰ در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است». بر اساس این دو ماده، چون زن تمکین کرده و خود زمینه را برای بزهدیده فراهم کرده در صورت قتل او توسط مرد، مجازات قصاص از مرد ساقط می‌شود. همچنین نتیجه می‌گیریم، همان‌طور که در تعزیرات، رفتار تحریک آمیز و زمینه‌ساز موجب تخفیف مجازات مرتکب می‌شود، در حدود و

قصاص در باب جرائم جنسی نیز رفتارهای زمینه ساز می‌تواند عاملی برای سقوط باشد. ممکن است در خصوص قتل در فراش گفته شود در اینجا تخفیف و سقوط مجازات برای مرتکب قتل که شوهر باشد صورت گرفته است و برای مرتکب زنا مجازاتی در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین از این ماده نمی‌توان برای سقوط مجازات در باب جرائم جنسی استفاده نمود.

در جواب می‌گوییم: بحث ما درباره نقش رفتارهای زمینه ساز جرائم جنسی در سقوط مطلق مجازات است و صرف مجازات مترتب بر زنا نیست. لذا در این جا نیز خلوت زن شوهردار با مرد نامحرم و رضایت و تمکین او زمینه ساز زنا شده و همین امر باعث شده که مجازات قصاص شوهر به خاطر قتل آن دو ساقط شود و الا بر اساس قانون، اگر زن تمکین نمی‌کرد، قتل زن جایز نبود و در صورت قتل زن توسط شوهر، قصاص او ثابت بود. بر فرض که بحث منحصر در سقوط جرائم جنسی باشد و این ماده مربوط به سقوط قصاص باشد و به عبارتی موضوع مختلف باشد، باز بر مدعا دلالت دارد؛ زیرا برای سقوط جرائم جنسی و غیرجنسی وحدت ملاک وجود دارد؛ زیرا ملاک سقوط در هر دو مورد، رضایت و همکاری در ارتکاب جرم است. برخی از حقوقدانان نیز همین نظر را دارند، یکی از حقوقدانان در این زمینه می‌گوید: فلسفه‌ی وضع ماده‌ی ۶۳۰، شرط دیدن ناگهانی را اقتضاء می‌کند؛ زیرا حق شوهر زمانی به‌وجود می‌آید که برانگیخته شود و نتواند خودش را کنترل نماید و این در مواردی رخ می‌دهد که شوهر شکی به عقیف بودن همسر خود نداشته باشد اما ناگهان خلاف آن را دریابد. (Aghaynina, 2007)

۳-۲- ادله‌ی فقهی

۳-۲-۱- سقوط قصاص به خاطر قتل در فراش

برخی از قتل‌ها ولو عمدی باشند، قصاص ندارند. یکی از آن‌ها قتل اجنبی و زوجه توسط شوهر زوجه است؛ در صورتی که آن‌ها را در حال زنا با هم ببیند؛ و دیگری قتل افرادی است که مرتکب عملی شده‌اند که حد شرعی آنها قتل است، مانند لواط یا زنا یا محصنه یا سایر مواردی که دارای حد قتل است؛ زیرا این افراد مهدور الدم (کسی که خونس هدر است) هستند و قتل آن‌ها برای شخصی که مورد تعرض قرار گرفته، جایز است. در مورد قتل در فراش، بین فقهای اهل سنت و شیعه و همچنین بین خود مذاهب اهل سنت و فقهای متأخر و متقدم شیعه اختلافاتی وجود دارد؛ اما دو نکته در این میان حائز اهمیت است: یکی دلیل جواز قتل در چنین موردی از جانب فقهای اهل سنت است و دیگری اختصاص دادن ماده‌ی قانونی خاص به این مورد در قانون موضوعه‌ی

ایران است. عبدالقادر عوده در کتاب تشریح جنائی می‌گوید: علت اباحه‌ی قتل در این صورت به نقل از علمای اهل سنت دو امر است: الف) تحریک: قائلین به تحریک در این که زن از خویشان مرد باشد یا اجنبی، تفاوت قائل شده و فقط در صورت اول قتل را جایز می‌دانند. ب) نهی از منکر: در این صورت برهمه‌ی اشخاص واجب است و تفاوتی میان زنای با اهل یا اجنبی نیست. رأی مشهور در مذاهب سه گانه‌ی اهل سنت (غیر از شافعی) همین است. اما نظر مذهب شافعی این است که قتل غیر محسن در حالت تلبس به زنا را جایز نمی‌دانند؛ مگر در صورتی که باز داشتن از ارتکاب جرم به غیر طریق قتل ممکن نباشد (Ode, 2010). نکته‌ی مهمی که در دیدگاه اهل سنت وجود دارد این است که آن‌ها اباحه‌ی چنین قتلی را ناشی از تحریک می‌دانند نه یک دلیل خاص. در واقع این همان چیزی است که امروزه علم بزه‌دیده‌شناسی آن را دنبال می‌کند. اما با این وجود بین فقهای امامیه صحبتی از تحریک نشده است. شاید به این دلیل است که در خصوص جواز قتل در فراس بین فقهای امامیه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ای مانند شیخ طوسی جواز چنین قتلی را در باب دفاع مشروع آورده‌اند؛ یعنی جواز چنین قتلی را بر اساس دفاع مشروع ذکر کرده‌اند (Tusi, 2008). اما عده‌ای دیگر همانند ابن ادریس حلی آن را در باب زنا ذکر کرده‌اند (1989) ، Mousavi Ardebili, 2006 Helly) ماده‌ی ۶۳۰ قانون تعزیرات نیز مقرر می‌دارد: «هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است». این ماده از جمله مواد بحث برانگیز در قانون مجازات اسلامی است که به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است؛ زیرا علاوه بر اختلاف در مبانی فقهی این ماده که سبب آراء مختلف از جانب فقها شده است، بسیاری از افراد نیز با استناد به این ماده سبب قتل دیگران می‌شوند و از قصاص‌رهایی پیدا می‌کنند. مجوز این قتل روایاتی است که (Hor Ibn Babuyeh, 1992 ammoli, 1988) مرحوم خوئی آن‌ها را در ادله‌ی قول مشهور ذکر و مورد بررسی قرار داده است و می‌گوید علاوه بر این که دلالت برخی روایات ضعیف است، بر فرض که چنین قتلی را جایز بدانیم، فقط در صورتی شخص می‌تواند فرد در حال زنا با همسر خود را بکشد که چهار شاهد بر این کار شهادت دهند، آن هم شهادت نزد حاکم، بعد از عمل زنا، نه قبل از عمل زنا و بر فرض که قول مشهور دلالت بر جواز قتل قبل از اقامه‌ی شهادت استفاده شود. از این

قول فقط مجوز قتل مرد زانی استفاده می‌شود، اما قتل زوجه فهمیده نمی‌شود. (Khoysi, 2001) روایات مهم‌ترین ادله‌ای هستند که فقهای شیعه برای جواز قتل در فراش به آن استناد کرده‌اند؛ اما آنچه صحیح به نظر می‌رسد این است که هیچ یک از این ادله نمی‌تواند به‌طور مستقیم مبنای ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد زیرا این ماده شرایطی را بیان می‌کند که در روایات از آن‌ها ذکری به میان نیامده است و برای معافیت و تخفیف قصاص در این مورد علاوه بر مبانی فقهی باید فلسفه‌ی چنین معافیتی را نیز در نظر گرفت همان‌طور که فقهای اهل سنت تحت عنوان تحریک به آن توجه کرده‌اند. پس بند پ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «اوضاع و احوال خاص ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم»، این بند از ماده به صراحت می‌تواند یکی از ادله‌ی توجیه کننده‌ی معافیت از قصاص در خصوص قتل در فراش باشد در صورتی که قاضی در این مورد علم پیدا کند که قتل در فراش بدون نقشه‌ی قبلی واقع شده است و عمل مرد بر گرفته از برانگیختگی و تحریک زانی بوده است هر چند همان‌طور که گفته شد این بند مشمول تخفیف و آن هم مختص تعزیرات است که قابل اشکال است.

۳-۲-۲- سقوط قصاص به خاطر قتل در دفاع از عرض و ناموس

اگر در دفاع از عرض و ناموس خود فرد یا دیگران، متجاوز به قتل برسد، دفاع کننده از قصاص معاف خواهد بود. بیشتر فقها این مورد را در قسمت ملحقات باب حدود و دفاع ذکر کرده‌اند. فقها در این خصوص می‌گویند: هرگاه کسی نسبت به ناموس گروهی چشم‌چرانی کند، اگرچه به چهره‌ی زنی باشد که برای بیننده حلال نیست، در این صورت آنان می‌توانند وی را از این کار باز دارند؛ بنابراین اگر نگاه کننده امتناع کرد و بر نگاه کردن به ناموس آن گروه اصرار ورزد می‌تواند با پرتاب کردن چیزی که او را می‌راند، دور کنند؛ بنابراین اگر چنین کردند و سنگریزه و امثال آن به سوی او پرتاب نمودند و جنایتی بر وی وارد شد، هدر است. (Shahid Thani, 2010) به نظر می‌رسد مستند این قول، روایات ذیل باشد: در صحیح‌های مسلم آمده است: «عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ وَ قَالَ مَنْ اَطَّلَعَ عَلَى مُؤْمِنٍ فِي مَنْزِلِهِ فَعَيْنَاهُ مُبَاحَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي تِلْكَ الْحَالِ: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است و گفت هرکس چشم‌چرانی کند، بر مؤمن دیگر در منزل او، چشمان او بر مؤمن دیگر در این حال مباح است» (Hor ammoli, 1988). در روایت دیگری در همین خصوص آمده

است: «أَيُّمَا رَجُلٍ أَطَّلَعَ عَلَى قَوْمٍ فِي دَارِهِمْ لِيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ فَفَقَّئُوا عَيْنَهُ أَوْ جَرَّخُوهُ فَلَا دِيَّةَ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ مَنْ اعْتَدَى فَأَعْتَدَى عَلَيْهِ فَلَا قَوْلَ لَهُ: چنانچه کسی حرمت منزل کسی را رعایت نکرده و به نوامیس صاحب‌خانه نگاه کند و چشم متجاوز را کور کنند یا او را مجروح کنند، بر آن‌ها دیه‌ای نیست و تعدی کننده‌ای که با او مقابله به مثل شده، حق قصاص ندارد» (Hor ammoli, 1988) علاوه بر این روایات، روایات مشابه دیگری نیز در این خصوص وجود دارد که از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود؛ اما قدر متیقن همه‌ی این روایات این است که اگر کسی حرمت منزل دیگران را نگه ندارد و در نگاه کردن حال آنان را رعایت نکند، هر گونه صدمه و آسیبی، حتی قتل اگر به او برسد، مباح است و هیچ گونه مسئولیت کیفری برای وارد کنندگان آسیب و قتل وجود ندارد؛ زیرا خود بزه‌دیده زمینه ساز جنایت بر خود شده است. این یکی از مصادیق بارز بند پ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. شهید ثانی دنباله‌ی همین مبحث می‌گوید: اگر کسی که به او نگاه می‌شود در کوچه و خیابان باشد، کسی که به او نگاه می‌شود نمی‌تواند کسی را که به او نگاه می‌کند سنگ بزند، زیرا خودش کوتاهی کرده است، فقط می‌تواند نهی کند. (Shahid Thani, 2010) اعتقاد به چنین مواردی امروزه تحت عنوان علم بزه‌دیده‌شناسی و نقش بزه‌دیده مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر چند ممکن است عده‌ای که طرفدار فمینیسم باشند، از این موارد تحت عنوان حقوق و آزادی‌های فردی یاد کنند، اما حقوقدانان و جرم‌شناسان چنین نظری ندارند؛ به طوری که امروزه در مرحله‌ی عمل و اجرای قانون نیز از بزه‌دیده مقصر حمایت به عمل نمی‌آورد و حتی گاهی اوقات عمل بزه‌دیده را عاملی برای تخفیف مجازات مرتکب قرار داده‌اند، همان‌طور که ماده‌ی ۳۸ ق. م. ا به این امر توجه کرده است.

۳-۳- استدلال به عموم قواعد فقهی

علاوه بر ادله‌ای که به طور خاص برای تخفیف یا سقوط مجازات بزهکار و مقصر بودن بزه‌دیده در صورت انجام رفتارهای زمینه ساز منافی عفت ذکر گردید، تعدادی از قواعد فقهی نیز وجود دارد که به‌طور عام بر عدم حمایت از بزه‌دیده مقصر قابل استناد است:

۳-۳-۱- قاعده الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار

کاربرد این قاعده در جایی است که مکلفی با اختیار خویش کاری انجام دهد که به سلب اختیار از او و مضطر شدن وی منجر گردد. اصولیون معتقدند اضطراب با مسئول بودن در نظر عقل و شرع منافات ندارد؛ یعنی اگر اساس و ریشه‌ی اضطراب شخص مکلف، سوء اختیار او باشد، این امر موجب معذوریت او نمی‌گردد و هم‌چنان مسئولیت عدم انجام تکلیف خویش را بر عهده دارد. به عنوان مثال در جرائم جنسی، اگر زنی با اختیار خود وارد خانه‌ی مردی شود و با رفتارهای تحریک‌کننده، طوری عمل کند که آن مرد با او عمل منافی عفت انجام دهد، در چنین حالتی که زن دیگر اختیاری ندارد و نمی‌تواند از خود دفاع کند، بر اساس قاعده الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار، چون خود زن سبب سلب اختیار از خود شده است، نمی‌تواند ادعا کند که به او تجاوز شده است و او در این زمینه اختیاری نداشته است. بر این اساس اگر کسی خودش با رفتارهای زمینه‌ساز جرائم جنسی اعم از پوشش، گفتار و رفتار، زمان و مکان دیگری را تحریک کند که فرد بر علیه او جرمی را انجام دهد، در این صورت فرد بزه‌دیده نمی‌تواند بگوید من رضایتی به انجام این کار نداشتم و دیگری به من تجاوز کرده است یا به زور من را وادار به این کار کرده است. در مصادیق و پرونده‌هایی که از رفتارهایی زمینه‌ساز جنسی ذکر شد، به طور واضح می‌توان کاربرد این قاعده و آثار آن را در مجازات مشاهده کرد؛ زیرا وقتی زنی با رفتار و پوشش تحریک‌آمیز وارد خانه‌ی مردی می‌شود و در نتیجه‌ی آن رفتارها و گفتارها منجر به جرائم جنسی شود، وی نمی‌تواند ادعا کند که خواهان ارتکاب جرم نبوده است. البته بدیهی است که اگر مرد هم ادعای تحریک (اغراء) کند، این ادعا مجازات را به طور کلی از او دفع نمی‌کند؛ زیرا او نیز با اختیار خود اقدام به این عمل کرده است، حتی اگر مدعی شود که به دلیل تحریکات فراوان زن، بدون اختیار به این عمل اقدام کرده است. آری اگر برخلاف رفتارهای تحریک‌آمیز زن، وی صرفاً مرتکب جرم تعزیری شده باشد، قاضی به تشخیص و اختیار خود می‌تواند مجازات او را ساقط کرده یا تخفیف دهد.

۳-۳-۲- قاعده‌ی اقدام

جبران خسارات وارده از سوی کسی که به دیگری زیان وارد کرده، امری واضح و انکارناپذیر است؛ اما اگر خود فرد سبب ضرر بر خود شده باشد، کسی که خسارت وارد کرده است مسئولیتی ندارد؛ مانند این که کسی مال خود را به دست صغیر و دیوانه بدهد. در اینجا اگر این مال در دست صغیر یا دیوانه تلف شود، این افراد مسئولیتی ندارند. مستند این حکم، قاعده‌ی اقدام است. البته این قاعده بیشتر در باب مسئولیت مدنی کاربرد دارد و در مسئولیت کیفری و مجازات کمتر از آن بحث شده است. اما عدم ذکر آن به معنای عدم کاربرد آن نیست، بلکه به خاطر کاربرد بیشتر این

قاعده در بحث اموال است؛ زیرا مردم نسبت به جان‌ها حساسیت بیشتری دارند تا اموال و به راحتی جان خود را به خطر نمی‌اندازند. اما با این وجود در موارد تطبیق قاعده‌ی عدم مسئولیت کیفری در باب قصاص نفس و عضو نیز ذکر کرده‌اند. (Mousavi Bojnourdi, 1980) بنابراین اگر کسی خودش سبب شود که دیگری بر او آسیبی وارد کند، نمی‌تواند علیه دیگری شکایت کند. در خصوص رفتارهای تحریک آمیز و زمینه ساز جرائم منافی عفت که موضوع بحث است نیز اگر کسی با اختیار و میل خودش سبب شود که مورد سوء استفاده یا تعرض جنسی قرار گیرد، خود او مقصر است؛ زیرا ابتدا خود فرد به این عمل اقدام کرده است. به عنوان مثال اگر خانم جوانی سوار ماشین شخصی مرد جوانی که او را نمی‌شناسد و هیچ نسبت هم با او ندارد شود یا این که وارد خانه‌ای که مرد نامحرم در آن است شود در چنین مواردی احتمال زیادی وجود دارد که این خانم مورد سوء استفاده‌ی جنسی قرار گیرد و از آنجایی که خود خانم به این کار اقدام کرده، نمی‌تواند ادعا کند به او تجاوز شده است و کسی او را به زور به عمل منافی عفت وادار کرده است؛ زیرا بر اساس قاعده‌ی اقدام، با این اعمال و رفتارها علیه خودش اقدام کرده است تا مورد سوء استفاده قرار گرفته است.

۳-۳-۳- قاعده‌ی تحذیر یا هشدار

این قاعده در جایی کاربرد دارد که کسی قبل از ورود خطر به دیگری هشدار دهد و بعد از آن بر فرد مقابل آسیب یا صدمه‌ای وارد شود. این فرد به استناد هشدار که داده است می‌تواند ادعای عدم مسئولیت کیفری بکند. این قاعده بیشتر در باب قصاص و دیات مورد توجه فقها قرار گرفته است که بر اساس آن، مثلاً اگر تیرانداز قبل از شلیک به افراد هشدار دهد در این صورت فرد رami مسئولیت کیفری ندارد. (Najafi, 1983) البته این عدم مسئولیت، منوط به شرایطی است که باید رعایت شود هر چند روایات این قاعده مربوط به مورد خاص است، اما با توجه به این که امام (ع) حکم خود را مستند و معلل به یک امر کلی کرده‌اند (قد اعذر من حذر)، بنابراین مورد خاص را از مصادیق حکم عام محسوب کرده و فرع را بر اصل تطبیق کرده‌اند؛ پس حکم کلی ذیل حدیث، قاعده‌ای فقهی است که در همه‌ی مواردی که شرایط لازم موجود باشد، جاری می‌شود (Mohaghegh Damad, 1985) حال شارع مقدس در بسیاری از آیات و روایات هشدار داده است که از رفتارهای زمینه ساز جرائم جنسی دوری شود؛ بنابراین اگر کسی به این هشدارها توجه ننمود و به چنین رفتارهایی ادامه داد و مورد سوء استفاده‌ی جنسی قرار گرفت، مصداق بارز قاعده‌ی تحذیر خواهد بود و دیگر نمی‌تواند علیه دیگری شکایت کند، زیرا خود فرد آگاه و هشیار بوده است که نباید چنین اعمالی را انجام بدهد. ضمناً در خصوص قاعده‌ی هشدار باید گفت لازم نیست که حتماً شخص هشدار دهنده یک فرد حقیقی باشد که به صورت حضوری هشدار دهد، بلکه حتی اگر

شخص حقوقی یا دولت باشد یا حتی خطابات قانونی و شرعی باشد کفایت می کند. همان طور که اکنون این قاعده در بسیاری از قوانین "حقوق" موضوعه همانند نیروهای مسلح و قوانین راهنمایی و رانندگی کاربرد دارد. ماده‌ی 26 قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی مقرر می‌دارد: «در راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است، عابران مکلفند هنگام عبور از عرض یا طول سواره رو با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل، از نقاط خط‌کشی‌شده، گذرگاه‌های غیر هم‌سطح و مسیرهای ویژه استفاده نمایند هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل نمایند، در صورت تصادف با وسیله‌ی نقلیه، راننده مشروط به این که کلیه‌ی مقررات را رعایت نموده باشد و قادر به کنترل وسیله‌ی نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسؤولیتی نخواهد داشت.» بر اساس این قانون و ماده‌ی ۵۰۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که در همین خصوص آمده است، باید گفت اگر عابری از معابر غیرمجاز عبور کند و حادثه‌ای پیش آید، کارشناسان بخش تصادفات پلیس راهنمایی و رانندگی سهم تقصیر را برای عابر هم لحاظ می‌کنند و گاهی هم براساس قوانینی که ذکر آن‌ها گذشت، راننده را از مسؤولیت معاف می‌کنند. چنین استنباطی را می‌توان از قاعده‌ی تحذیر برداشت کرد، زیرا شرایط عدم مسؤولیت راننده در مقابل عابر پیاده را قانون از قبل در قالب قانون و علائم رانندگی، مشخص کرده و هشدار داده بود بر این اساس دیگر ادعای عابر پیاده مبنی بر عدم علم پذیرفته نمی‌شود، همین حالت در جرائم منافی عفت نیز جاری می‌شود؛ زیرا در بسیاری از آیات قرآن همانند فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ (۵/مائده) و إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ.. (نساء/۲۵): خداوند متعال مردان و زنان را از ارتباط با نامحرم بر حذر داشته و بسیاری از روایات نه‌ی عَنِ مُحَادَثَةِ النِّسَاءِ بِغَيْرِ ذَوَاتِ الْمَحَارِمِ وَ قَالَ لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا (Hor ammoli, 1988) نیز بیانگر بر حذر داشتن با نامحرم هستند، قانون‌گذار نیز در قانون مجازات اسلامی قسمت تعزیرات در مواد ۶۳۷ و ۶۳۸، برای مرتکبین اعمال منافی عفت مجازات قائل شده است، همه‌ی این دلائل می‌توانند مصداقی برای قاعده‌ی تحذیر و جلوگیری از اعمال منافی عفت باشند، به عنوان مثال اگر فردی این ادله را نادیده بگیرد و در ارتباط با نامحرم مرتکب عمل جنسی و منافی عفت شود، قانون‌گذاری می‌تواند حمایت خود را از این دسته افراد کمتر کند.

۳-۳-۴- قاعده‌ی مقدمه‌ی حرام

قاعده‌ی مقدمه‌ی حرام یکی از قواعد فقهیه است. مقدمه‌ی حرام گاهی سبب فعل حرام می‌شود که در این صورت مقدمه نیز حرام خواهد بود. اصطلاح مقدمه‌ی حرام در دانش اصول و فقه امامیه (Ansari, 1980) وجود دارد و در مذهب اهل سنت، این قاعده در واقع همان سد ذرایع است.

براساس سد ذرایع، هر وسیله‌ای که موجب رسیدن به حرام می‌شود، باید ترک شود تا حرام محقق نگردد. (Shahroodi, 2003) بر اساس این قاعده، بسیاری از رفتارهای زمینه ساز جرائم جنسی، همانند خلوت با نامحرم، شوخی کردن با نامحرم، ارتباطات نامشروع و انجام گفتار و رفتار تحریک آمیز، از جمله مقدماتی هستند که سبب وقوع در حرام، مانند زنا می‌شوند، باید ترک شوند. به عنوان مثال، ارتباط دو نامحرم با یکدیگر از مسائلی است که بر اساس متون دینی هم به خودی خود ایراد دارد و هم به جهت این‌که غالباً مقدمه‌ای برای تحقق حرام است. بنابراین خلوت کردن دو نامحرم با هم، خود عمل حرامی است که مقدمه‌ی عمل حرامی مثل زنا و سایر جرایم جنسی و منفی را فراهم می‌کند. بنابراین کسی که خود مرتکب عمل حرام شده است و عمل حرام دیگری را به وجود آورده است، نمی‌تواند به این استناد که قصدی نداشته است یا نمی‌خواستند که عمل شنیعی را انجام دهند، از خود دفاع کند. بر اساس قاعده‌ی مقدمه‌ی حرام، تحریک دیگران، مقدمه-ی حرام بوده و بزه‌دیده نیز مرتکب حرام شده و نه تنها نمی‌تواند از طرف مقابل شکایت کند، بلکه خود او نیز مورد مجازات قرار می‌گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: *وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ*؛ و به کارهای زشت - چه علنی آن و چه پوشیده [اش] - نزدیک نشوید (انعام/۱۵۱). علاوه بر این قاعده، بر اساس قاعده‌ی حرمت، اعانت اثم نیز می‌توان قائل شد که عمل فرد تحریک کننده به عنوان معاون جرم و تعاون بر معصیت بوده است که خودش دارای مجازاتی مستقل است.

نتیجه گیری

از مجموعه مباحث گفته شده، این نتیجه به دست می‌آید که مؤلفه های زمینه ساز جرائم جنسی همانند رفتار، گفتار و ... بر اساس ادله‌ی شرعی و قانونی، موجب تخفیف مجازات مرتکب می‌شود. بدین معنا که تحریک و زمینه سازی توسط بزه‌دیده، در بسیاری از موارد موجب رد ادعای وی مبنی بر به عنف بودن جرائم جنسی می‌گردد و بدین وسیله، مجازات، نه تنها تعزیر، بلکه حد را هم کاهش می‌دهد. چنان که باعث می‌شود به جای حد قتل، حد تازیانه بر بزهدار اجرا شود و از طرفی به جهت این که باعث شده دیگری به گناه بیفتد و خودش نیز مرتکب گناه و کار حرام شده، باید مجازات شود. مشروعیت تخفیف برای مرتکب و گناهکار بودن و مقصر بودن بزه‌دیده، به دلیل آیات، روایات و قواعد کلی فقهی، همانند قاعده‌ی اقدام، تحذیر... است. بنابراین تبصره‌ی ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی که تحریک را فقط موجب تخفیف تعزیر دانسته، باید اصلاح شود و در صورتی که در حدود و قصاص نیز تحریکی صورت بگیرد، حکم به تخفیف دهد. همچنین لازم است، در بند پ ماده‌ی ۳۸، عوامل هر جرم و به طور خاص، جرایم جنسی مورد توجه قرار گیرد.

References

- The Holy Quran
- Aghayinia, Hossein, (2007) "Special rights of the criminal "(offenses against individuals), M Tehran: Jahqouq Foundation.
- Ali Abadi, Abdolhossein,(1973)," Criminal Law" ,M. Tehran: National Bank Printing House .
- Ansari, Morteza, ,(1988), Al-Mekasb, M.Qom, Allame Publications.
- Ansari, Morteza, (1980)," Fareed al-Assal," M.Qom, World Congress on the Remembrance of Sheikh Ansari
- Babaei, Mohammad Ali (2011), "Clinical Criminology" ,M. Tehran: Volume.
- Mousavi Bojnourdi, Seyyed Muhammad ibn Hasan Musavi, (1980) "The rules of jurisprudence " M.Tehran: Inauguration Institute.
- Fazlollah; Seyyed Mohammad Hussein(1988)" My Commentary on Revelation of Al-Quran" 1988, Beirut: Dar Al-Malk.
- Ghalili al-Hudbi, Advar, (1988)" Sex offenses" ,M. , Egypt : al-Maliki school.
- Hiddson, Francis (2010) " Women and Crime", Translation, Nore, Mohammad Taghi, M., Tehran: Majd Scientific and Cu
- Hor ammoli, Mohammad ibn Hassan,(1988)" Shiite items" M.Qum": Institute Ahlul Bayt Itural Organization.
- Ibn al-Monzur, Abu al-Fazl, Jamal al-Din, Muhammad bin Makram (1993) " Arabic language",M. Beirut :Thought home.
- Ibn Idris, Mohammed bin Mansoor bin Ahmad(1989) "Sara'r contains a fatwa",M. Qom: , Islamic publishing house affiliated with the community.
- Jafari ,Yaghoub, Commentary on Kosar,M. Qom: Hegira.
- Khoyi, Seyyed Abu al-Qasem Musavi,(2001), "The Foundations of the Almhajj Complex" ,M. Qom: The Institute of Humorous Works of Al-Imam Al-Khuyi.
- Makarim Shirazi, Nasser (2003)" Book of Marriage" M. Qom: Imam Ali bin Abi Talib School of Publications.
- Mousavi Ardabili, Sayyid'Abd al-Kareem (2006), "The jurisprudence of the HudUd and al-Tayzitat ta'zirat", M.Qom: Publishing house for the mofed.
- Mughniyeh, Mohammad Javad, (2003) "Explanation of Explorers" ,M. Tehran: House of Islamic Books.
- Najafi Owner ofJeweler, , Mohammad Hassan,(1983)" Jewel of the Word in the description of the Islamic religion" M.Beirut: Arabic Revival House.
- Odeh, Abdul Qader,(2010), "Al-Sharif al-Jana'id al-Islami, Al-Mu'tafi al-Waqaan al-Waza'a al-Mu'awf", M.Beirut: Dar al-khat al-Arab.
- researcher of the groom Yazdi, Seyyed Mostafa (1985) ," The rules of jurisprudence", M.Tehran: Islamic Science Publishing Center .
- Sadouq Qomi, Muhammad ibn Ali ibn Babuyeh, (1992) "man La Yahzaire Al-Safiyah",M. Qom: The Office of Islamic Publications, affiliated with the Teachers Society of the Qom SeminarI.

- Sadiqi Tehrani Mohammad, (1986), "Al-Furqan, In the commentary al-Quran Balqiran", M. Qom: Islamic Culture .
- Sanei Parviz (1993)" General Penal Law", M.Tehran: Ganj Danesh Publications.
- Shahid Thani, Zayn al-Din al-Amli (2010), "Al-Rouzato al-Bahaye In the description Al-Dameshqieh", M. Qom: Islamic thought forum.
- Shahroodi, Mohammad Ibrahim Jannaty, (2003) "The sources of ijtehad from the point of view of Islamic religions", M. Qom: Institute Ahlul Bayt.
- SHobyri Zanjani, , Seyyed Mosayi (1988) "the book of marage" M. Qom: Rayatzar Research Institute.
- Tusi, Abu Ja'far, Mohammad ibn Hassan, (2008)," Extensive in Imam jurisprudence" M.theran: Mortazavi school to revive parsley.
- Williams, Catherine (2005), "The Way of Life and Influence of the Victimized Offenders" , Translation Dr. Ali Saffari's, Legal Research, N41.
- Y adi, Muhammad (1415)," Al-Quran jurisprudence "M. Qom: Ismaili Institute.
- Zahedi, Latif,(1990), "Invitation" to the Crime, M.Tehran: the University of Tehran.

